

سیدعباس صالحی در آیین تجلیل از خادمان قرآن کریم:

## امام علی(ع) همراه و همدم قرآن بود

**گروه فرهنگی:** آیین تجلیل از خادمان قرآن کریم درحالی برگزار شد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) به‌عنوان دو شخصیتی نام برد که در تاریخ اسلام، جسم و روح‌شان از مبدأ تا انتها با قرآن همراه بوده است.

سیدعباس صالحی در بیست‌وششمین دوره آیین تجلیل از خادمان قرآن کریم، تقارن تجلیل و بزرگداشت خادمان قرآن

کریم درحالی برگزار شد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) به‌عنوان دو شخصیتی نام برد که در تاریخ اسلام، جسم و روح‌شان از مبدأ تا انتها با قرآن همراه بوده است.

سیدعباس صالحی در بیست‌وششمین دوره آیین تجلیل از خادمان قرآن کریم، تقارن تجلیل و بزرگداشت خادمان قرآن

# فرق فرهادی



ابراهیم پشت کوهی  
نویسنده و کارگردان تئاتر

هم او را با آیشمن مقایسه می‌کنند یکی نان به نرخ روز خور می‌خواند و دیگری به او می‌گوید با فیلم قهرمان به استقبال دوران رئیسی رفته است! و یکی هم گفته چون امیر جدیدی در فیلم «روز صفر» بازی کرده باید از طرف فرهادی بایکوت می‌شده!!

همه از فرهادی می‌خواهند تریبون افکارشان باشد و حرف‌های آنها را به زبان بیاورد.

در جامعه‌ای که احزاب وجود خارجی ندارند، کسانی هنرمند را مصلح اجتماعی و منتقد سیاسی می‌خواهند و به اینکه فرهادی در تمام این سال‌ها در کنار مردم‌ش بوده نه روی شانه آنها راضی نیستند و فراموش کرده‌اند ما حق نداریم دیگران را به جرم اینکه مثل ما فکر یا رفتار نمی‌کنند تخطئه کنیم. او وامدار نبوغ و تلاش خودش است. همین که فرهادی به قول بکت مخاطبانش را به دو قسمت تقسیم می‌کند نشان می‌دهد که خنثی نیست. آثار او گسل‌های اجتماعی را فعال می‌کند و هر بار به بهانه‌ای درباره ریاکاری، قضاوت، دروغ، خیانت و فضیلت‌های ناچیزی حرف می‌زند که هرگز ناچیز نیستند. فرهادی به مثابه متنی شده که هر گفتار و رفتارش تفسیرهای متفاوتی را رقم می‌زند. «بیچاره ملتی که به قهرمان نیاز دارد». مردم ایران باید تصور و تصویر فرهادی به عنوان یک ناجی را از ذهن خود پاک کنند.

او در بهترین حالت ممکن باید یک فیلم خوب بسازد و یک فیلم خوب به قول هگل بازتاب روح زمانه است. یک جامعه از همه مردم‌ش تشکیل می‌شود و همه در برابر بیداد و بی‌عدالتی مسئول اند، اینکه فشار

«سینما گستره آن چیزهایی است که توضیح ناپذیرند. روبر برون»  
این روزها که اصغر فرهادی با فیلم قهرمان جایزه بزرگ جشنواره کن را گرفته و موفقیت‌هایش را تداوم بخشیده است، بحث‌های مختلفی درباره او در ایران و درباره فیلمش در خارج از ایران شکل گرفته است. این یادداشت سعی دارد مختصر هر دو بحث را واشکافی کند.

### بدو اصغربدو

گروه اول تحسین‌کنندگان: این گروه هم عشاق سینه‌چاک را که عاشقانه فرهادی و فیلم‌هایش را دوست دارند شامل می‌شود هم کسانی که او را به عنوان فخر هنر ایران در جهان می‌دانند و در روزگار قطعی شادی و خنده، فرهادی را دلیل دلگرمی در جغرافیای وطن می‌دانند، عمده این گروه را مردم عادی تشکیل می‌دهند.  
گروه دوم شامل یک اقلیت متنوع هستند که برخی او را حامی بایدن می‌دانند و برخی



گونه‌ای متحد با قرآن بوده‌اند اما در تاریخ اسلام دو شخصیت یعنی پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) داریم که جسم و روح‌شان

از پیامبر اکرم(ص) شخصیتی است که با جسم و روح خویش با قرآن همراه است. انمه دیگر نیز این ویژگی را دارند که به



سکانس منتشر شده فیلم قهرمان رفتن و سعی کردم با بررسی آناتومی این سکانس به جواب برسم.»  
۲- رحیم شخصیت اصلی سکانس و البته فیلم سیگاری است. ۳- داماد رحیم بنا و مرمت‌کار است و البته نفس چاقی دارد. ۴- خواهر رحیم بیمار است و گردن درد و آرتروز دارد. ۵- رحیم زندانی است. ۶- برای دو روزاز زندان به مرخصی آمده است. ببینید در کمتر از یک دقیقه چه حجم از اطلاعات به تماشاگر داده می‌شود که مورد پنج و شش مهمترین آنهاست.

**■ تجزیه قهرمان**  
«مگه فیلم‌های فرهادی چی دارن که تو دنیا این‌قدر تحویل گرفته می‌شن» دوستی می‌گفت: «برای جواب به این سؤال به سراغ



که مد نظرش بوده طنزی بی اغراقی هم است موفق کند. «سراشیز پیشنهاده می‌کند» علاوه بریک کمدی ترازوی، یک کمدی موزیکال هم است که با پرداخت درست و به اندازه، توانسته شعر و موسیقی را به خدمت روایت نمایشی خود درآورد و در کنار همه این‌ها از این شعر و موسیقی، ریتم مناسبی هم در زیر متن کار خود جاری و ساری کند که تا

پایانی به خوبی، مانند یک نت موسیقی حفظ می‌شود. با این‌همه اگر بخواهیم به یک نقطه تارک در متنی که برگرفته از متن شاهنامه و قصه‌ای به این مهمی است هم خوان استفاده از الفاظ و کلمات نه چندان مانوس بود که به نظر می‌رسد اگر این کلمات بداهه از ذهن بازیگران خارج شده و ما که امروز بیننده فیلم تئاتر آن هستیم، حق داریم خوشمان نیاید و

انجام نمی‌دهد و ماهانه مبلغی دریافت می‌کند. این بخشی از حقیقتی است که بی بردن به آن «مومو» را غرق غم می‌کند چرا که هرگز دلیل دلسوزی‌ها و محبت مادام رزا را بابت پول نمی‌دانسته! خالق این کتاب، «رومن گاری»، نویسنده و کارگردان شهیر فرانسوی است، تنها داستان نویسی که برای دومرتبه موفق به کسب جایزه ادبی گنکور شده و نوشته‌اش با ترجمه لیلی گلستان و چند مترجم دیگر در دسترس علاقه‌مندان ایرانی قرار گرفته است. فیلمی سینمایی هم به اقتباس از آن ساخته شده که کارگردانی‌اش لورن هم در آن نقش مادام رزا را ایفا کرده است. پونتی تلاش کرده تا اقتباسی نزدیک به اصل اثر را پیش روی مخاطبان بگذارد؛

**■ زندگی در پیش رو**  
**■ نویسنده: رومن گاری**  
**■ مترجم: لیلی گلستان**  
**■ نشر ثالث**

و ده‌ها اتفاق دیگر را شاهد هستیم، یکی از اتفاقات مبارک نیز همین برنامه تجلیل از خادمان قرآن کریم است.» وزیر ارشاد در پایان به تجلیل از آیت‌الله امام جمرانی در این مراسم پرداخت و بیان کرد: «ایشان مفتخر به خدمت به قرآن هستند و سال‌های متمادی از نسلی به نسل دیگر دارای ویژگی‌های خاص علم، زهد، مردم‌داری، خدمات اجتماعی و... بوده‌اند.

ادب و انصاف ایشان نشان می‌دهد وقتی با وی حشر و نشر داشته باشید کاملاً با این خصائل روبه‌رو خواهید شد. در روزگاری که ما گاهی شاهد هیجانات می‌شویم اینکه فرد بتواند کلام خود و رفتار خود را منطبق با صلابت کند کار راحتی نیست، از دیگر ویژگی‌های ایشان همراهی و همدلی با حضرت امام را حل است. نام آقای جمرانی با نام امام پیوند خورده است.»

### لحن

بعد از مدت‌ها یک کارگردان مطرح ایرانی لحن غیرتهرانی را برای فیلمش انتخاب کرده است و امکانات دراماتیک لهجه شیرازی را به نمایش گذاشته است. «در کلیشه‌های رایج لهجه برای فیلم‌های کمدی استفاده می‌شود» همین که فرهادی بعد از درباره الی فیلمش را از آپارتمان بیرون آورده و دغدغه‌های اجتماعی را عیان‌تر، در جوار پایتخت ایران باستان بیان کرده، بدون شک میل به فیلمسازی در خارج از تهران را در بین کارگردان‌های بدنه افزایش خواهد داد، همان‌طور که فیلم‌های آپارتمانی‌اش فیلمسازهای غیرمؤلف را به درون خانه‌های آپارتمانی سوق داد.

### بازی‌ها

همین تصویر کوتاه یک امیر جدیدی تازه را به ما نشان می‌دهد، امیر لاغر شده، لهجه شیرین شیرازی را به گرمی ادا می‌کند و در مواجهه با باقی بازیگرها یکدست و همسان است و البته به سباق مردان اصلی فیلم‌های فرهادی ریش دارد. کریم و گفتارش باعث شده در همین لحظات کوتاه او را در هیبت رحیم زندانی باور کنیم. امیر جدیدی بازیگر توانایی است اما نباید از بازی‌گیری عالی فرهادی در فیلم‌هایش از بازیگران مختلف غافل شد.

### دوربین

فرهادی مثل همیشه سعی می‌کند ناظر باشد و بی‌طرف بماند، سیال و آرام از داربست‌ها بالا می‌رود و بی‌خودنمایی روی دست بودن به پایین می‌لغزد. این بار علی قاضی مدیر فیلمبرداری است اما به نظر

## داستان سوءتفاهمی که باعث سوءتفاهم شد!

ارغوان سادات حسینیان  
نویسنده - ۱۴ ساله

خسته و کوفته داشتم از خانه بابا بزرگم برمی‌گشتم، نمی‌دانم سرو کارتون تابه‌حال به میدان آزادی رسیده یا نه ولی من هر چند وقت یک‌بار از اونجا رد می‌شوم، همیشه شلوغ است؛ پر از مسافره‌ای خسته تاکسی‌های سبز و نارنجی که هر کدام از ارنده‌هایش دارند چایی سردی را که ته فلاسک مونده و مزه تلخی دارد به هم تعارف می‌کنند. بی‌حوصله لم داده بودم به صندلی ماشین و به این فکر می‌کردم که آخه من درباره سوءتفاهم چه داستانی بنویسم؟ از روز شنبه همین جوری داشتم فکر می‌کردم اما انگار فکر کردن با من قهر کرده بود. لب و لوجه‌ام را کج کردم و از مامان پرسیدم «مامان استاد گفته درباره سوءتفاهم بنویسیم، منم هر چی فکری می‌کنم می‌چی به مغزم نمی‌رسه؟ چی کار کنم؟»

مامان مثل همیشه خواست که با مثال من به مفهوم سوءتفاهم و بفهمونه اما من مفهومش رو می‌دونستم منتها نمی‌دونستم چجوری شخصیت‌های داستان رو دچار سوءتفاهم کنم؟ مامان شروع کرد به مثال زدن...

یکی از شخصیت‌های تمام باباهای دنیا اینکه مهم نیست چه کاری اون‌ها فقط می‌تونن روی یک کار تمرکز کنند... مخصوصاً بابای من که وقتی رانندگی می‌کند به هیچ عنوان متوجه اتفاقات داخل ماشین نمی‌شود اون فقط رانندگی می‌کند... لابه‌لای مثال‌ها

مامان به یک مثال از عدد شیش به زبان انگلیسی رسید. ادامه داد: «مثلاً بین اگر من و تو روبه‌روی هم بایستیم و یک عدد شیش انگلیسی رو روی زمین بنویسیم من از این‌ور ۹ می‌خونم و تو شیش... هر دو هم داریم درست می‌خونیم به این میگن سوءتفاهم و به مثال دیگه...

اما حرف مامانم ناتمام موند چون بابا این دفعه تصمیم گرفت که فقط رانندگی نکند و معترض شد به حرف مامانم که همچین چیزی امکان ندارد و شیش انگلیسی را از هر طرف بخوانی باز هم شیش است.

خلاصه داخل ماشین بحثی شکل گرفت از دو قبیله معتقد به شیش و نُه‌یان و قبیله‌ای دیگه به نام معترض به شیش و نُه‌یان!

و خلاصه قرار شد وقتی رسیدیم خانه من و مامان به عر شیا به بابا ثابت کنیم که شیش از یک طرف ۹ و طرف دیگه شیش خوانده می‌شود.

بعد از خوردن شام مامانم سعی کرد با نوشتن یک شیش توی تایپ گوشی‌اش این موضوع را به بابا ثابت کند و بابا هم که حالا فهمیده بود منظور مامان چیست معتقد بود که اون فکر کرده که منظور مامان این بوده که شیش رو روی شیشه بنویسیم...

حرف جفتشان درست بوده منتها چون بابا پشت فرمان زیاد دقتی به حرف‌های توی ماشین ندارد متوجه کلمه زمین نشده. حرف بابا هم درست بود اگر شیش را روی شیشه می‌نوشتیم و به جای گذاشتن روی زمین همینجوری نگاهش می‌کردیم دیگه؟ خوانده نمی‌شد نهایتاً شیش بر عکس خوانده می‌شد...

بین همین بحث من گفتم «فهمیدم چی بنویسم! داستان سوءتفاهمی که باعث سوءتفاهم شد.



سراشیز پیشنهاده می‌کند  
کارگردان: شهاب‌الدین حسین پور  
بازیگران: شهرام قاندی، رامین ناصر نصیر، آرش فلاحت پیشه و مهدی فریضه‌ش

امیدوار باشیم این فقط حاصل یک اجرا و یک تماشای ما است. با این کاستی کوچک اما نمایش چه در متن و چه اجرا توانسته موفق باشد و نگاهی که به داستان حماسی ضحاک شده هم نگاه و زاویه‌ای نو و نوکار است که می‌شود آن را در قامت نمایش‌های آیینی و سنتی هم تماشا کرد و آفرین گفت به عوامل سازنده‌اش.

مروری بر نمایش «سراشیز پیشنهاده می‌کند» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین پور

## طنز تلخ ضحاک بر صحنه

محسن پوالحسنی  
خبرنگار

این روزها، شاید آن چیزی که بتواند دوباره اشتیاق را برای دیدن تئاتر به دل دوستدارانش بینشاند، میل دیدن آثاری نمایشی با درونمایه طنز است و خنده‌ای که از دل این کمدی به لب مخاطب می‌نشیند همان طفلی است که به قول استاد محمدرضا شفیعی کدکنی انگار گم شده است، شاید هم تمام این مقدمه یک نظر شخصی است بعد از تماشای فیلم تئاتر «سراشیز پیشنهاده می‌کند» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین پور، بازی شهرام قاندی، رامین ناصر نصیر، آرش فلاحت پیشه و مهدی فریضه که سال ۱۳۹۷ اولین بار روی صحنه رفت و حالا در پلتفرم‌های اینترنتی مثل فیلم‌وو... هم قابل تماشا است. این تئاتر کمدی ترازوی‌ای است

نگاهی به کتاب «زندگی در پیش رو»

## «مومو» قهرمانی سرکش، اما در جست‌وجوی زندگی

مریم‌شهبازی  
خبرنگار

«زندگی در پیش رو» از آن رمان‌هایی است که به‌رغم کم‌حجم بودن تا مدت‌ها ذهن خواننده‌اش را گرفتار می‌کند؛ البته نه از این بابت که نوشته‌ای پیچیده با داستانی عجیب باشد؛ به این خاطر که روایتگر بخشی ناپیدا از آن چیزی است که زیرلایه‌های پنهان زندگی شهری جریان دارد؛ درباره آدم‌هایی با دنیایی متفاوت از آن چیزی که دیده یا شنیده‌ایم. «زندگی در پیش رو»، ماجرای پرسریجه‌ای است که تازه قدم به دنیای نوجوانی گذاشته و هنوز نمی‌داند کیست و گذشته‌اش چه بوده! «مومو»، قهرمان کوچکی با شخصیت سرکش و البته بددهن است که در ابتدا بیشتر به ضد قهرمان‌ها می‌ماند تا آدم خوب

